

مشارکت سیاسی در آرمان‌شهر اسلامی از منظر قرآن و روایات

حسینعلی یزدانی ۱

چکیده

این پژوهش به دنبال تبیین مشارکت سیاسی در آرمان‌شهر اسلامی، از منظر قرآن و روایات است پرسش که در اینجا مطرح است این است که در آرمان‌شهر اسلامی چه نوعی از مشارکت سیاسی وجود دارد؟ آرمان‌شهر اسلامی، عبارت است از جامعه‌ی آرمانی قرآنی، جامعه‌ی آرمانی قرآنی، برخلاف برخی جوامعی که صرفاً خیالی است جامعه‌ی واقعی هست. و اینجامعه بر پایه تعاون و حقوق استوار است؛ در واقع در آرمان‌شهر اسلامی همان‌طور که مردم از حق تعیین سرنوشت برخوردار است دارای تکلیف شرعی هستند و براین اساس، در جامعه مشارکت می‌نمایند. جامعه آرمانی اسلامی برای مشارکت سیاسی از ظرفیت ویژه برخوردار است برخلاف جوامع غرب که در آن صرفاً مشارکت بر مبنای حقوق و تعیین سرنوشت و انتخاب هیأت حاکمه استوار است اما در آرمان‌شهر اسلامی، علاوه بر حق مداری، وظیفه و تعاون در راستای رشد مادی و معنوی است. بر همین مبناست که در اسلام امر به معروف و نهی از منکر، نظارت بر قدرت، شورا و نصیحت حاکمان، بر پایه وظیفه مندی، به‌عنوان سازوکار مشارکت سیاسی مطرح است.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، آرمان‌شهر اسلامی، قرآن و روایات.

۱. دانش‌پژوه مقطع دکتری قرآن و علوم سیاسی / مجتبع آموزش عالی علوم انسانی

مقدمه

یکی از مسائل مهم و مطرح در جوامع مختلف، مسئله‌ی مشارکت سیاسی است. در همه‌ی جوامع مردم برای تعیین سرنوشت خویش اهتمام می‌ورزند و تلاش دارند در مسائل اجتماعی و سیاسی، اراده و انتخاب خود را از طریق مشارکت و حضور در تصمیم‌گیری‌ها، به نمایش بگذارند. آنچه در این پژوهش مورد کاوش قرار می‌گیرد مشارکت سیاسی در آرمان شهر اسلامی از منظر قرآن و روایات می‌باشد تا روشن شود که مشارکت سیاسی در جامعه‌ی آرمانی برچه مبنا و معیار صورت می‌گیرد. ابتدا خود جامعه آرمانی اسلامی از منظر قرآن مورد بررسی قرار خواهد گرفت که قرآن چه معیارهای برای تحقق این جامعه، در نظر گرفته، از ظرفیت‌ها و زمینه‌های مشارکت سیاسی نیز بحث خواهد شد.

مشارکت سیاسی در جهان دارای سازوکارهای مختلف می‌باشد سازوکارهای که قرآن و روایات و منابع اسلامی برای مشارکت سیاسی در جامعه‌ی آرمانی اسلامی ارائه داده است نیز به صورت اختصار، در این پژوهش بیان می‌گردد. شایان ذکر است که مردم با انگیزه‌های مختلف در مسایل سیاسی وارد می‌شوند و این خود، اهداف مشارکت سیاسی را تشکیل می‌دهد، آنوقت مشارکت سیاسی، بر مبنای اهداف خود، دارای انواع مختلف خواهد بود در این تحقیق، ضمن اشاره به انواع مشارکت سیاسی، از مشارکت که سازگار با اهداف جامعه آرمانی اسلامی که سعادت انسانی است، بحث خواهد شد.

الف) مفهوم شناسی

۱. مشارکت سیاسی

۱-۱ در لغت

مشارکت از واژه‌ای عربی است از ریشه «شرک» و «شرکت» به معنای حصه برداری و بهره‌برداری است. (دهخدا، ۱۳۳۴، ج ۴۴، ۴۶۰). «در زبان انگلیسی، از

مشارکت به participation) تعبیر شده؛ یعنی مشارکت از ریشه‌ی part به معنای قسمت، تکه و بخش است که نزدیک به معنای پارتنری است، زیرا (participation) یعنی سهیم شدن در چیزی یا گرفتن قسمتی از آن چیز است.» (بخشی، ۱۳۷۹، ۶۰) در فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم مشارکت سیاسی را این‌گونه تعریف نموده است: «مشارکت سیاسی به معنای تعداد افراد و گروه‌هایی است که در تصمیم‌گیری شرکت می‌کنند.» (وليام آتویت، ۱۳۹۲، ۸۳۷)

۱-۲. در اصطلاح

این واژه در اصطلاح علوم سیاسی معانی گوناگونی دارد برای این اساس در کتاب‌های مختلف تعاریف متفاوتی برای آن ذکر شده است از جمله برخی از پژوهشگران مشارکت سیاسی را این‌گونه تعریف نموده است: «مشارکت سیاسی نوعی تظاهر علنی اراده‌ی مردم برای تعیین سرنوشت جمعی خود است. فقط از طریق مشارکت است که قدرت سیاسی به طریق مسالمت‌آمیز دست‌به‌دست می‌گردد و میزان توسعه سیاسی یک کشور بستگی مستقیم به این مؤلفه دارد.» (کاظمی، ۱۳۷۶، ۱۰۱)

مشارکت سیاسی، فعالیت داوطلبانه‌ی اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است. (مصفا، ۱۳۷۵، ۹)

مشارکت سیاسی به معنای وجود رقابت و منازعه‌ی مسالمت‌آمیز، بین بخش‌های گوناگون جامعه‌ی سیاسی برای به دست آوردن قدرت و اداره‌ی جامعه و تعریف مصالح عمومی است. (علیخانی، ۱۳۷۷، ۶۱)

مایکل راش در کتاب جامعه و سیاست، مشارکت سیاسی را این‌گونه تعریف نموده است: «مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت، در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است.» (راش، ۱۳۸۳، ۱۲۳)

در این تعریف به سلسله‌مراتب از مشارکت سیاسی اشاره شده است، و شامل

افراد و گروه‌های مختلف به لحاظ فعال و منفعل بودن در امور اجتماعی - سیاسی می‌گردد. به اعتقاد مایکل راش در رأس این سلسله‌مراتب کسانی قرار دارند که دارای مقام سیاسی واداری هستند. (راش، ۱۳۸۳، ۱۲۵)

با توجه به تعاریف ارائه‌شده این مسئله روشن می‌شود و آن این‌که مشارکت سیاسی عملی است که در آن تجلی اراده‌ی مردم در راستای تأثیر‌گذاری در نظام سیاسی کشور و تعیین سرنوشتشان وجود دارد.

۲. آرمان‌شهر

آرمان‌شهر اصطلاحی است که در ترجمه واژه اتوپیا به‌کاربرده می‌شود. برخی آرمان‌شهر را « عبارت از هرگونه نظم آرمانی دانسته است.» (آشوری ، داریوش، ۱۳۸۲، ص ۱۷) برخی آن را جامعه خیالی تعریف کرده‌اند و گفته‌اند: «کمال مطلوب سیاسی یا اجتماعی تحقق‌ناپذیری که واقعیت‌ها، طبیعت انسان و شرایط در آن ملحوظ نشده است» (روویون، ۱۳۸۵، ۵) قرآن کریم برخلاف برخی طراحان جامعه آرمانی که آن را صرفاً خیالی می‌دانند، جامعه آرمانی را نه‌تنها ممکن و تحقق‌پذیر معرفی نموده بلکه تحقق آن را برای سعادت‌مندی ضروری و حتمی دانسته است. (محمدی‌آشنانی، ۱۳۹۲، ۱۴۳) بر همین اساس قرآن کریم با تعابیر مختلف، تحقق جامعه آرمانی را بیان نموده گاه با غلبه حق و زوال باطل خبر داده است و فرموده است:

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (اسراء، ۸۱) و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد یقیناً باطل نابود شدنی است!» براین اساس، یکی از شاخصه های جامعه آرمانی تحقق حق و حقیقت‌هاست.

برخی از مفسرین انحصار تفسیر این آیه را بر اساس بعضی روایات به قیام مهدی را رد نموده و گفته است: «مسلماً مفهوم این احادیث، انحصار نمودن معنای وسیع آیه به این مصداق نیست بلکه قیام مهدی از روشن‌ترین مصداق‌های آن است

که نتیجه‌اش پیروزی نهایی حق بر باطل در سراسر جهان هست.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ۳۳۵) لذا قرآن فرستادن پیامبر گرامی اسلام (ص) را به‌عنوان سرآغاز تحقق جامعه آرمانی بزرگ اعتقادی معرفی نموده است:

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند! (توبه، ۳۳) این آیه‌ی از قرآن می‌رساند که تحقق جامعه آرمانی در هر زمانی که معیار آن تحقق پیدا نماید امکان‌پذیر است. پس قرآن برخلاف نگاه بشری که برخی، جامعه آرمانی را خیالی ترسیم نموده است، جامعه واقعی می‌داند.

در اصطلاح متفکران اسلامی مراد از آرمان‌شهر اسلامی جامعه آرمانی اسلامی است، فارابی اندیشمند بزرگ اسلامی جامعه آرمانی را این‌گونه تعریف نموده و گفته است: «جامعه‌ای آرمانی، مدینه فاضله‌ای است که مقصود حقیقی از اجتماع در آن، تعاون براموری است که موجب حصول وصول به سعادت آدمی است، و امتی که همه مدینه‌های آن، برای رسیدن به سعادت، تعاون باشد، امت فاضله هست.» (فارابی، ۱۳۷۹، ۲۰۸)

پس جامعه آرمانی از دیدگاه فارابی به جامعه‌ای اطلاق می‌گردد که زندگی در آن بر همکاری و همراهی مردم در راه رسیدن به سعادت حقیقی است آن وقت امتی که در این‌گونه جامعه زیست می‌کند و مجموعه‌ای مدینه‌های آن در رای سعادت، تعاون و همکاری پایه‌ریزی شده‌اند، امت آرمانی نامیده می‌شوند.

با توجه به موضوع بحث، باید دید که از نظر قرآن، جامعه‌ی آرمانی اولاً: قابل تحقق است یا نه؟ و با فرض تحقق‌پذیری آن، به چه جامعه‌ی، جامعه آرمانی اطلاق می‌گردد؟ البته در قرآن واژه جامعه ذکر نشده و تعابیری دیگری وجود دارد که بیان‌گر این مفهوم هست به این نکته برخی از محققین این‌گونه اشاره دارد: «در قرآن کریم جامعه و مجتمع بکار نرفته است و برای رساندن معنای «گروهی

انسان‌ها» از کلماتی چون؛ قوم، الناس، امت و قریه استفاده شده است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۷۱) به باور اواژه قریه مترادف با واژه مدینه یا جامعه و مجتمع هست و شاید بتوان گفت که: بهترین معادل و یا تنها معادل اصطلاح قریه در زبان فارسی امروز همان جامعه است.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۷۷) و این امر در قرآن کریم در موارد متعدد ذکر شده است واژه‌ای قریه به جای جامعه و شهر در آیات زیادی بکار رفته است. (نحل، ۲۷، اسراء، ۱۶، نمل، ۳۴) البته سایر کلمات فوق به نظر او در بعض موارد معادل کلمه جامعه می‌تواند به کار رود. (محمدتقی مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۹۰) به اعتقاد این نویسنده در بحث جامعه، واژه امت از سایر کلمات، مهم‌تر است و این واژه به معنای گروهی از آن‌هاست که دارای ویژگی خاصی است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۷۲-۷۵)

پیش از تبیین جامعه‌ی آرمانی، از منظر قرآن واژگان که رویکرد تبیین اجتماعی و سیاسی در قرآن دارد بیان می‌شود و «آن امت، ناس، اناس، شعوب، قوم، قبایل، قرن، قرون، شریعت، شرعه، شیعی، منہاج، مشرف، ملاء، ملوک، طاغوت، جبار، ولی، اولیاء، مصلح، و امام این واژگان در قرآن زیاد به کار رفته است که بیانگر رویکرد و تبیین مفاهیم سیاسی در قرآن است.» (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۰، ۵۷۹)

ب) جامعه آرمانی قرآن

جامعه آرمانی اسلامی از منظر قرآن بر دوپایه استوار است: ۱. گرایش به نیکی‌ها ۲. پرهیز از بدی‌ها و زیشتیها، از آنجاکه اسلام یک دینی اجتماعی است و به حفظ نظام جامعه اهتمام خاصی دارد و به هر چیز که مایه حفظ نظام اجتماعی گردد فرمان می‌دهد از موانع آن بازمی‌دارد، بر همین اساس قرآن علاوه بر نکوکاری و تقوای فردی به ساختن مدینه فاضله و جامعه برین بر پایه تقوا فرمان می‌دهد. (اسلامی، ۱۳۹۳، ۷۱) و فرموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ

الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (مائده، ۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ... و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری باهم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است.

این آیه در واقع خط و مشی یک جامعه دینی و اسلامی را در همه ابعاد مختلف چه در روابط داخلی و چه در روابط بین‌الملل مشخص می‌نماید؛ لذا برخی از مفسرین به همین نکته این‌گونه اشاره دارد:

«آنچه در آیه فوق در زمینه تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در برمی‌گیرد، طبق این اصل، مسلمانان موظف‌اند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند ولی همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم، مطلقاً ممنوع است، هرچند مرتکب آن دوست نزدیک و یا برادر انسان باشد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ج ۴، ۲۵۳) در روابط بین‌الملل نیز دولت‌های اسلامی روابطشان را با دیگران بر پایه همین اصل محوری تنظیم نمایند و از همکاری با دولت‌های متجاوز دوری نمایند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۲۵۴)

از طرف دیگر، در قرآن کریم جامعه گسترده مسلمانان را «امت» نامیده و آن را امت واحد معرفی نموده است: **وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً**. (مؤمنون، ۵۲) و این است امتتان که امتی یگانه است و من پروردگارتان هستم، پس از من پروا بدارید.

از آنجاکه جامعه آرمانی قرآن، یک جامعه عقیدتی است، قرآن کریم، هویت جمعی جامعه آرمانی خود را «تسلیم حق بودن» دانسته، جامعه‌ای که از پیش توسط حضرت ابراهیم (ع) مسلمان نامیده شده است. **مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا، آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید خداوند شما را در کتاب‌های پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید.**

همین ویژگی در آیه دیگر نیز برای جامعه قرآنی ذکر شده است: رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً (بقره، ۱۲۸) پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده! و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور.

براین اساس، قرآن، جامعه بزرگ اسلامی و مردمان آن را «امت مسلمان نامیده است. (حج، ۷۸) در واقع جهت اشتراک و ملاک وحدت در بحث ما تسلیم خدا و تسلیم حقیقت و تسلیم وحی الهی که در قلب پیام‌آور الهی طلوع نموده است. و برترین نعمت که صدای شهادت به یگانگی خداوند و رسالت محمد (ص) است که در آن جامعه طنین‌انداز شود.

پس قرآن کریم برخلاف مکتب‌های دیگر، هیچگاه عناوین نژادی و خونی را مانند: عرب، تازی، سامی و عناوین طبقاتی هم چون مستضعفان و یا اشراف، عناوینی جغرافیایی و سرزمینی مانند شرقی و غربی و یا عناوینی انتساب به فرد مثل محمدی‌ها برای عنوان و نام جامعه آرمانی خود برنگزیده است. (آشنایی، ۱۳۹۲، ۱۳۴) با توجه به ویژگی‌های که برای جامعه آرمانی در قرآن کریم ذکر شده است جامعه آرمانی اسلامی اولاً: جامعه را بر اساس تعاون اسلامی به‌سوی نیکی‌ها و بر حذر دانستن از بدی‌ها سوق می‌دهد و ثانیاً: جامعه آرمانی قرآنی یک جامعه عقیدتی است.

ج) ظرفیت جامعه آرمانی برای مشارکت سیاسی

پیش از آنکه جایگاه مشارکت سیاسی را در جامعه آرمانی قرآنی مطرح نماییم باید ظرفیت جامعه آرمانی را برای این امر، بررسی کنیم با توجه با ظرفیت و زمینه‌های جامعه آرمانی، کیفیت مشارکت سیاسی در آن جامعه معین می‌شود.

همان‌طور که اشاره شد جامعه آرمانی قرآنی بر پایه عملکرد به نیکی‌ها و بازداشتن از زشتی‌ها بنا شده است براین اساس، مشارکت سیاسی در نگاه اسلامی و دینی، صرفاً بر پایه حق نیست بلکه دارای دوپایه است و آن برمدار تکلیف و حق

است؛ همان‌طور شهروند، گاهی بر مبنای حقوق خود، نقش سازنده در سرنوشت جامعه دارد گاهی ممکن است فاقد حق باشد و یا میل به اعمال حق خود ندارد و یا حق خود را به دیگری واگذار کرده است، اما «تکلیف» شرعی، او را ملزم به مشارکت می‌کند. پس مشارکت سیاسی در جامعه آرمانی قرآن و سنت فراتر از مدل مشارکت در جامعه غرب است که در آنجا مشارکت بر مبنای حقوق صورت می‌گیرد، و این نوع مشارکت در جامعه، برای تعیین سرنوشت سیاسی و حضور در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب هیئت حاکمه صورت می‌گیرد، اما در جامعه آرمانی اسلامی علاوه بر حقوق، برمدار وظیفه و تعاون است. بر همین مبناست که در اسلام امر به معروف و نهی از منکر، نظارت بر قدرت و نصیحت حاکمان، به‌عنوان سازوکار مشارکت سیاسی مطرح است.

ممکن است در رابطه به جامعه آرمانی قرآنی که نمونه بارز آن جامعه نبوی است، و در زمان غیبت بر اساس تفکر ناب اسلامی منصب حکومت به فقها واگذار شده است. با توجه به این مطلب، این پرسش پیش می‌آید مردم چگونه می‌توانند در چنین جامعه‌ی نقش داشته باشند؟ چون حاکم از ناحیه خداوند منصوب می‌گردد و مشروعیت الهی دارد.

پاسخ که در این زمینه داده شده این است «در اندیشه ناب اسلام، مراجعه به آرای عمومی مردم در دورهٔ فقدان انبیا و غیبت اولیای منصوب الهی، برای کسب مشروعیت نیست، بلکه تنها برای تعیین مصداق منصوبان عام است که به آرای مردم مراجعه می‌شود و اگر مردم در این زمینه حقی دارند آن‌هم به اذن و فرمان اوست. (نساء، ۵۸)

براین اساس مراجعه به آرای مردم در تعیین مصداق منصوبان عام، (فقیهان) مانند امور دیگر از باب مراجعه به کارشناسان و اهل خیره است چه بدون واسطه باشد در صورتی مردم خودشان کارشناس و اهل خبر باشند و یا باواسطه مراجعه

نمایند تا امانت الهی را به دست شایستگان برساند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۴۵۹)
درواقع بنا بر آرای کسانی که مشروعیت حاکم اسلامی از آن خداوند می‌دانند بازهم
مشارکت مردم در مقبولیت، عینیت و تحقق حاکمیت فقیه در جامعه تأثیرگذار
است.

از اندیشمندان شاخص و تأثیرگذار در این رویکرد حضرت امام خمینی است
و او مقام ولایت را از مقام تولی تفکیک نموده است ایشان در پاسخ این پرسش که
در چه صورت فقیه جامع‌الشرایط بر جامعه اسلامی ولایت دارد؟ فرمودند:
«ولایت در جمیع صور دارد؛ لکن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت
بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و
در صدر اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با ولی مسلمین.» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ۴۵۹).

د) انواع مشارکت سیاسی

انواع مشارکت سیاسی بر اساس اهداف و غایات

۱. مشارکت غیرعادی

این نوع از مشارکت سیاسی، مجموعه فعالیت‌های است که در راستای
براندازی یک نظام سیاسی حاکم، به صورت رادیکال و انقلابی انجام می‌گیرد.
(صبوری، چاپ اول ۱۳۸۱، ۱۴۰) البته در این نوع مشارکت سیاسی مردم بخواب
نارضایتی از نظام حاکم، در قالب جنبش‌های اجتماعی و فعالیت‌های سیای رادیکال
و انقلابی فعالیت‌های خود را انجام می‌دهند و هدف در این گونه فعالیت‌های
سیاسی براندازی نظام سیاسی است.

این نوع مشارکت سیاسی در جامعه آرمانی قرآن جایگاه ندارد زیرا در
این گونه جوامع فعالیت‌ها بر مبنای کمالات و سعادت‌مندی جامعه صورت می‌گیرد و
در آن تعاون و همکاری وجود دارد.

۲. مشارکت عادی

این نوع مشارکت یک نوع فعالیت‌های سیاسی است که در درون نظام سیاسی به صورت مسالمت‌آمیز انجام می‌گیرد؛ مانند شرکت در انتخابات و احزاب سیاسی و سایر تشکلات، در مشارکت عادی فضای فعالیت سیاسی برای شهروندان وجود دارد و نظام سیاسی نیز اجازه‌ی فعالیت برای آنان داده و مورد تشویق نیز قرار می‌دهد.

ابن مسکویه یکی از اندیشمندان بزرگ اسلامی است و او بر اساس اهداف مشارکت سیاسی، برای مشارکت عادی انواعی را ذکر نموده است:

۱-۲. مشارکت بدوی (معطوف به معاش)

این نوع از مشارکت عمدتاً صبغه‌ای اجتماعی دارد، ولی انسان‌ها برای قوام حیات مادی خود و تأمین حداقلی از ضروریات اولیه زندگی، همکاری و همیاری با دیگران را پذیرفته‌اند تا با کمک و مشارکت جمعی بتوانند زندگی خود را تأمین کنند. ابن مسکویه با انتقاد از این نوع مشارکت، آن را مشارکت بی‌ثبات و زوال‌پذیر می‌داند، زیرا در صورت وصول به ضروریات اولیه زندگی، انگیزه مشارکت فردی و جمعی از بین می‌رود. بنابراین، در جوامعی که همه شهروندان خواهان این نوع از مشارکت باشند یا نظام سیاسی شکل نمی‌گیرد و یا به تعبیر معلم ثالث، «هذه هي الحال التي تسمى خراب المدن؛ یعنی در این اوضاع و احوال، زوال نظام سیاسی پدید می‌آید. (ابن مسکویه، بی‌تا، ۳۳۳)

۲-۲. مشارکت عقلی

عقل بالاترین موهبت خداوند و فصل ممیز انسان از حیوان می‌باشد و زندگی او صرفاً در تأمین نیازهای اولیه و ضروری منحصر نمی‌شود، لذا انسان‌ها با داشتن عقل به دنبال تأمین نیاز دیگر برای رسیدن به سعادت و کمال خود هستند و این خود انگیزه‌ای برای مشارکت در اجتماع می‌گردد، چون انسان در بستر اجتماع می-

تواند به کمالات خود (معنوی و مادی) دست یابد. «انسان همانند سایر حیوانات نیست که همه چیزش در ضروریات معاش و آنچه مطابق طبیعت اولیه اوست خلاصه گردد، بلکه نیاز به چیزهای دیگر دارد و این نیازهای انسان به امداد عقل شد تا به کمک آن، همه چیز را به استخدام درآورد و با تصرف در آن به همه چیز حاجات خود برسد.» (ابن مسکویه، بی تا، ۱۰۳)

۲-۳. مشارکت فضیلت محور

در این نوع از مشارکت، شهروندان به ابعاد معنوی و نیازهای روحی توجه دارند و تعاون و همکاری آن‌ها نسبت به یکدیگر و با حکومت، برای رسیدن به فضایل و ارزش‌های انسانی و دفع شرور و زشتی‌ها از جامعه است. این مسکویه معتقد است، تحصیل فضایل به تنهایی مقدور نیست، بلکه این‌ها محصول مشارکت جمعی یک جامعه هستند، لذا ایده کسانی را که معتقدند فضایل را با زهد و عزلت هم می‌توان به دست آورد رد نموده است و تصریح می‌کند که: «لیست الفضائل اعداما بل هی افعال و اعمال تظهر عند مشارکة الناس و مسا کتھم و فی المعاملات و ضروب الاجتماعات؛ «فضایل امور عدمی نیستند [تا با عدم عمل و دوری از اجتماع به دست آیند] بلکه آن‌ها اعمال وجودی هستند که در مشارکت و نشست و برخاست و در انواع معاملات و اجتماعات بشری تحصیل می‌شوند.» (ابن مسکویه، ۴۹، ۱۳۸۱)

مهم‌ترین دلیل مشارکت سیاسی

آموزه‌های اسلامی

در نگاه دینی و با مراجعه به نصوص و مبانی اسلامی، مشارکت سیاسی و حساسیت به امور جامعه، به عنوان یک حق، وظیفه و تکلیف همگانی، مورد اهتمام آموزه‌های دین مبین اسلام است؛ یعنی مشارکت سیاسی در آموزه‌های متعددی نظیر مقام خلیفه الهی انسان، بیعت با حاکم، امر به معروف و نهی از منکر، عنصر مشورت

پاسخ‌گویی والیان و حاکمان به مردم و نظارت بر قدرت سیاسی تبیین گردیده است. (مجله پگاه حوزه، ۳۰ دی ۱۳۸۵، ش ۲۰۰)

بر اساس جهان‌بینی اسلامی و آیه شریفه *إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً* (بقره، ۳۰) «من در روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد.» از آنجا که انسان موجود آزاد و مختار است و این آزادی اگر قرین با قدرت گردد آن وقت مسئولیت آور است از این منظر انسان، در برابر خدا، خود و دیگران و طبیعت مسئول است. شهید صدر در تفسیر این آیه می‌نویسد: «خلافت انسان در قرآن در حقیقت شالوده حکومت انسان بر هستی است و حکومت میان مردم همه از ریشه همان خلافت سرچشمه می‌گیرد و حق حاکمیت ملی نیز به‌عنوان خلیفه الله بودن انسان‌ها می‌تواند مشروع و قانونی باشد. (شهید صدر، ۱۳۵۹، ۱۱۰؛ همان ۱۴۲۶، ۱۱۸)

سازوکار مشارکت سیاسی

از منظر قرآن و روایات اسلامی، نظارت عمومی است به‌عنوان نیرومندترین اهرم کنترل قدرت و حفظ سلامت نظام شمرده شده است برای نظارت شیوه‌های زیادی وجود دارد که در ذیل بیان می‌گردد:

۱. نصیحت

یکی از مهم‌ترین ابزار نظارت و مشارکت سیاسی برای مردم، در جامعه آرمانی، نصیحت است، نصیحت از ماده نصح است نصح در لغت به معنای خالص شدن است. (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ۶۱۵)

در متون اسلامی از آن به «نصح» تعبیر شده است و اصول کافی این احادیث را تحت عنوان «النصيحة لأئمة المسلمين» نقل نموده است نصیحت در فرهنگ اسلامی کاربرد زیادی دارد و در منابع مهم دینی؛ یعنی قرآن و سنت مورد توجه زیادی قرار گرفته است به‌صورت اختصار به برخی از آیات اشاره می‌گردد:

۱-۱. نصیحت در قرآن

قرآن پیامبران الهی را با وصف «ناصح» نام برده است و محتوای دعوت آنان را نیز نصیحت دانسته است. حضرت هود (ع) به قومش فرمود:

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ، (اعراف، ۶۸) پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امینم. حضرت شعیب به قومش فرمودند:

وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ. (اعراف، ۹۳)

گفت: «ای قوم من، به راستی که پیام‌های پروردگارم را به شما رسانیدم و پندتان دادم دیگر چگونه بر گروهی که کافرند دریغ بخورم؟»

بر اساس آموزه‌های قرآنی پیامبران الهی در جوامع خود به‌عنوان ناصحان بزرگ الهی بودن و این می‌رساند که نصیحت در فرهنگ اسلامی جایگاه ویژه دارد. در این زمینه آیاتی دیگر نیز داریم که به جهت اختصار به آنان اشاره نمی‌گردد.

۱-۲. نصیحت در روایات

از تعبیرات که در روایات آمده است استفاده می‌شود که نصیحت در اسلام جایگاه ویژه دارد و تعبیر النصیحة لائمة المسلمین در روایات متعددی به چشم می‌خورد و سرچشمه این عنوان پیامبر اکرم (ص) است که در حجت الوداع و در مسجد خیف آن را بیان نمود و در لسان ائمه معصومین به یکی از مسئولیت‌های اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَ حَظَبَ النَّاسِ فِي مَسْجِدٍ ... ثَلَاثٌ لَا يُعْلَىٰ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ اللَّزْمُ لِجَمَاعَتِهِمْ ... (کلینی، ج ۱، ۴۰۳)

«سه چیز است که دل هیچ مسلمانی نباید در آن خیانت کند: اخلاص عمل برای خدا، نصیحت و خیرخواهی رهبران مسلمین و همراه بودن باجماعت مسلمین.»

در این حدیث پیامبر گرامی اسلام (ص) نصیحت حاکمان اسلامی را به عنوان یکی از وظائف مهم اجتماعی مردم برشمرده است.

امام صادق (ع) فرموده است: **وَزَكَاةُ اللِّسَانِ النَّصْحُ لِلْمُسْلِمِينَ وَ التَّيَقُّظُ لِلْغَافِلِينَ.** (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۷، ۴۵) وظیفه زبان آن است که نسبت به مسلمان دلسوزی و خیرخواهی کند و سعی در بیدارسازی ناگهان داشته باشد.

از آنجاکه جامعه‌ی آرمانی از منظر قرآن جامعه‌ای است که در آن سعادت مردم باید تأمین گردد یکی از بهترین سازوکارهای تأمین سعادت‌مندی سیاسی - اجتماعی، نصیحت حاکمان و مردم می‌باشد؛ چون در نصیحت خیرخواهی و سعادت نهفته است.

۲. امر به معروف و نهی از منکر

در اسلام فریضه امر به معروف و نهی از منکر، برای سالم‌سازی و سعادت‌مندی محیط اجتماعی به عنوان مسئولیت همگانی در نظر گرفته شده است. بر اساس این اصل، مشارکت سیاسی نه تنها حق مردم، بلکه وظیفه شرعی و رسالت همگانی است که به خوبی زمینه‌های مشارکت سیاسی افراد، گروه‌ها و نیروها را فراهم می‌سازد، مردم بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر، از حق انتخاب برخوردارند و در قبال خوبی و بدی زندگی اجتماعی و رفتار افراد نسبت به همدیگر مسئولیت دارند و از این طریق می‌توانند زمینه‌های سعادت‌مندی خویش را تأمین سازند. در قرآن کریم امر به معروف و نهی از منکر جایگاه ویژه دارد و در آیاتی زیادی به این اصل اشاره شده است در اینجا بجهت اختصار به یکی آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۲. امر به معروف در قرآن

قرآن در این زمینه می‌فرماید: **وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ**. (آل عمران، ۱۰۴) باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگاران‌اند.

۲-۲. امر به معروف در روایات

بر همین اساس در متون اسلامی روایتی داریم ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر را موجب فساد و تباهی در میان مردم می‌داند لذا پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: **إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَلْيَأْذَنُوا بِوِقَاعٍ مِنَ اللَّهِ**.» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۹، ۴۹۳) زمانی که امت از انجام فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، سرباز زند در آن هنگام باید منتظر گرفتاری و مشکلاتی باشند که یکی پس از دیگری بر سر امت فرود می‌آید.

همان‌طور که قبلاً بیان شد مشارکت سیاسی در جامعه آرمانی صرفاً جنبه حقوقی ندارد بلکه بر پایه تکلیف و وظیفه مداری نیز می‌باشد لذا در حدیثی معروف آمده است: **وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ** (شعیری، بی تا، ۱۱۹) هر فردی باید خود را در مسئولیت دیگران سهیم بداند و در آن، نقش داشته باشد.

پس امر به معروف و نهی از منکر یکی از آموزه‌های دینی است که مردم می‌توانند در جامعه بر اساس وظایفشان در راستای سعادت‌مندی خود در میان اقشار مختلف جامعه، نقش‌آفرینی نمایند.

۳. شورا

شورا و مشورت یکی از آموزه‌های دینی است که در فرهنگ اسلامی از

اهمیت خاصی برخوردار است، شورا به معنای تبادل نظر و جمع‌بندی آراء برای رسیدن به نتیجه معقول‌تر و راه صحیح‌تر است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ۳۰۶). و این از وظایف مهم حاکمان است. شورا در واقع در فرهنگ اسلام به‌عنوان یکی از ابزار برای نقش مردم در جامعه و تعیین سرنوشت خویش است.

در قرآن کریم نمونه‌های زیادی از مشورت ذکر شده است و این بیان‌گر وجود این مسئله در میان ملل و اقوام مختلف است. در قرآن کریم از مشورت ملکه سبا با سران کشور. (نمل، ۳۲) مشورت فرعون با اطرافیان، درباره قتل حضرت موسی به خاطر کشتن یک قبطی (قصص، ۲۰) و مشورت زن و مرد در امور خانوادگی (بقره، ۲۳۳) و مهتر از همه مشورت پیامبر گرامی اسلام با مسلمین آمده است *شاورَهُمْ فِي الْأَمْرِ* (آل عمران، ۱۵۹) در این آیه مراد از امر امور اجتماعی-سیاسی است نه احکام چون در احکام مردم حق اظهار نظر ندارند، مفسران نیز امر را در آیه شریفه *شاورَهُمْ فِي الْأَمْرِ* به «امور عامه امت» تفسیر کرده‌اند از جمله علامه طباطبایی به‌وضوح به آن اشاره نموده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۸۷)

در احادیث نیز به اصل شورا، به‌عنوان شیوه‌ای در مدیریت جامعه اسلامی توجه شده است از آنجاکه پیامبر گرامی اسلام (ص) در جنگ بدر، احد و خندق و همین‌طور در جریان عهدنامه‌هایی چون پیمان با مردم طایف، عملکرد مشورتی داشته باید آن را به‌عنوان یک شیوه سیاسی غیرقابل تردید و انکارناپذیر به شمار آورد. و در روایات اسلامی نیز بر اصل مشورت با صاحب‌نظران متعهد و خداترس تأکید شده است تا آنجا که مشاوره برای کشف واقع در نظر گرفته شده است: «*الْمُشَاوَرَةُ اسْتِظْهَارٌ*» (عبد الواحد آمدی تمیمی، ۱۳۶۶، ۴۴۱) و همین‌طور مشاوره به‌عنوان راه هدایت دانسته شده است: «*إِلِاسْتِشَارَةٌ عَيْنُ الْهِدَايَةِ*». (الرضی، ۱۴۱۴ ق، ۵۰۶) و خودرأیی و استبداد در برابر مشورت کردن، گمراهی: «*مَنْ اسْتَعْنَى بِعَقْلِهِ ضَلَّ*» (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶، ۴۴۳) معرفی گردیده است.

بنا بر این می‌توان گفت شورا به‌عنوان یکی از راهکارهای مشارکت سیاسی در جامعه آرمانی به شمار می‌آید و این امر را عملکرد رسول خدا (ص) و اولیا الهی در مورد مشورت به‌وضوح نشان می‌دهد؛ زیرا علیرغم برخوردار بودن آنان از علم الهی و ارتباط با غیب، با یاران و نزدیکان خود مشورت می‌کردند و به دیگران نیز مشورت کردن را توصیه می‌کردند. از طرف دیگر جامعه‌ی نبوی کاملاً یک جامعه آرمانی است و در چنین جامعه‌ی مشارکت دادن مردم در امور سیاسی از طریق مشورت در مسائل سیاسی از ناحیه پیامبر گرامی اسلام (ص) به‌کرات تحقق یافته است. و در قرآن کریم نیز یکی از اوصاف مؤمنین، مشورت با یکدیگر شمرده شده و فرموده است: «وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری، ۳۸) مؤمنین کارهایشان به‌صورت مشورت در میان آن‌هاست.

۴. بیعت

یکی از ابزار در مشارکت سیاسی بیعت است، چون بیعت در فرهنگ اسلامی، به‌عنوان تجلی‌گاه حضور و مشارکت سیاسی مردم در اداره سیاسی و تعیین سرنوشت خویش می‌باشد، هرچند در میزان تأثیر آن در نظام سیاسی اسلامی میان اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد، برخی آن را مشروعیت‌ساز دانسته و برخی دیگر آن را در کارآمدی نظام سیاسی اسلامی مطرح ساخته است. (رحمانی، ۱۳۸۹، ۸۹). واژه بیعت در فرهنگ اسلامی، یک واژه سیاسی است که دارای مفهوم خاص خود می‌باشد و این اصطلاح از رابطه ارتباط ویژه‌ی میان امام و امت پدید می‌آید چنانچه شهید مطهری در این رابطه می‌گوید: «بیعت فقط در مورد حاکم و سلطان است. پیمان رفاقت دو رفیق را بیعت نمی‌گویند؛ در بیعت تسلیم یک‌طرف برای یک‌طرف دیگر است.» (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱۷، ۴۸۷)

۱-۴. بیعت در قرآن

در قرآن واژه بیعت در آیات متعدد آمده است در اینجا به آن‌ها اشاره می-

گردد:

۱. **إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.** (فتح، آیه ۱۰)

کسانی که با تو بیعت می‌کنند (در حقیقت) تنها با خدا بیعت می‌نمایند، و دست خدا بالای دست آن‌هاست پس هر کس پیمان‌شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است و آن‌کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد.

۲. **لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا.** (فتح، آیه ۱۸)

خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند - راضی و خشنود شد خدا آنچه را در درون دل‌هایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می‌دانست از این رو آرامش را بر دل‌هایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی به عنوان پاداش نصیب آن‌ها فرمود.

این دو آیه در ارتباط با بیعت رضوان در جریان حدیبیه است که در سال ششم هجرت صورت گرفت. پیامبر گرامی اسلام (ص) در آن سال به همراهی هفت صد نفر بدون سلاح به منظور حج و عمره به سمت مکه آمدند و این خبر به مکه رسید و آنان از روی وحشت قبائل همدستانشان را فراخواندن و خود را آماده مقابله نمودند، پیامبر نیز آمادگی کامل جنگی گرفتند و از همراهان خود بیعت گرفتن مردم نیز با آن حضرت بیعت نمودند مردم با آن حضرت بیعت که فرار نکنند و تا لحظه مرگ از اسلام و پیامبر گرامی اسلام دفاع نمایند. (الطایبی،

۱۳۸۴، ج ۲، ۲۳-)

۳. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَعْفِرِ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. (ممتحنه، ۱۲)

ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتراپی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آن‌ها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است!

یکی از نکات مهم که در این آیه وجود دارد این است که به پیامبر (ص) دستور می‌دهد «فبايعهن» و این بیان‌گر فرمان الهی بر بیعت با زنان است و این می‌رساند که اسلام در مسائل سیاسی و اجتماعی نگاه بازدارد و برای زنان دوشادوش مردان شخصیت سیاسی - اجتماعی قائل است تا در تصمیم‌گیری‌ها و تعیین سرنوشت خود حضور فعال داشته باشند.

۲-۴. بیعت در سنت

در تاریخ اسلام، عصر رسالت و امامت، بیعت‌های زیادی از ناحیه مردم با پیامبر گرامی اسلام (ص) و برخی از ائمه معصومین (ع) تحت عناوین مختلف انجام شده در اینجا به خاطر اختصار فهرست‌وار ذکر می‌گردد؛ مانند: بیعت عقبه اول (الطایبی، ۱۳۸۴، ج ۱، ۲۷۷) بیعت عقبه دوم (الطایبی، ۱۳۸۴، ج ۱، ۲۷۹) بیعت رضوان (الطایبی، ۱۳۸۴، ج ۲، ۲۳) و بیعت فتح مکه (الطایبی، ۱۳۸۴، ج ۲، ۱۱۹) همین‌طور در عصر امامت با توجه به شرایط، شاهد بیعت با امیرالمؤمنین بیعت با امام حسن، بیعت با امام حسین و امام رضا هستیم.

بر اساس گزارشات تاریخی، اولین بیعت ولایت با علی (ع) انجام شد، بیعت

غدیر است این بیعت پس از بازگشت پیامبر گرامی اسلام (ص) از حجت الوداع در منطقه غدیر خم صورت گرفت پیامبر (ص) مأمور شدند که علی (ع) را در این منطقه به عنوان جانشین خود معرفی نماید و از مردم برای او بیعت بگیرند. در روایتی از امام باقر (ع) آمده است که خداوند به پیامبر فرمود: ... فَأَقِمَهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا وَ جَدِّدْ عَهْدَهُ وَ مِيثَاقَهُ وَ بَيِّعْتَهُ (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ۵۶) پس او را برای مردم همچون علم [هدایت] برپا دار و عهد و میثاق و بیعت او را تجدید نما.

پیامبر گرامی اسلام (ص) به منظور ابلاغ مأموریت اش مردم را در غدیر خم جمع نمود و با قرائت آیه ابلاغ و ایراد خطبه مفصل از مردم برای ولایت امام علی (ع) بیعت گرفتن امام کاظم (ع) در این باره می فرماید: ... ثُمَّ أَمَرَ النَّاسَ أَنْ يُبَايِعُوهُ فَبَايَعَهُ النَّاسُ جَمِيعًا وَ لَمْ يَتَكَلَّمْ مِنْهُمْ أَحَدٌ. (دیلمی ۱۴۱۲، ج ۲، ۳۳۱). سپس مردم را فرمان داد که با علی بیعت کنند و مردم با بیعت کردند هیچ کس نبود مگر این که با او بیعت کرد و هیچ کس لب به مخالفت نگشود.

با توجه به آیات قرآن، روایات و جامعه نبوی، در جامعه‌ی آرمانی قرآنی، زمینه گسترده از مشارکت سیاسی وجود دارد؛ زیرا هم در قرآن و روایات، ساز کار مشارکت سیاسی بیان شده است و از طرفی در جامعه نبوی که یک جامعه آرمانی است مشارکت سیاسی، به صورت گسترده وجود داشته، پیامبر گرامی اسلامی برای همه‌ی اقشار مردم از طریق بیعت و سایر سازوکارهای مشارکت سیاسی، مانند شورا، امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت، حق تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت قائل بوده است و این می‌رساند که در آرمان‌شهر اسلامی مشارکت سیاسی وجود دارد.

نتیجه‌گیری نهایی

این پژوهش به دنبال تبیین مشارکت سیاسی در آرمان‌شهر اسلامی از منظر قرآن می‌باشد. مشارکت سیاسی عملی است که با آن اراده مردم در جهت تعیین نظام سیاسی کشور و سرنوشت خویش تجلی پیدا می‌کند. از منظر قرآن کریم،

آرمان‌شهر اسلامی جامعه‌ای آرمانی است و قابل تحقق، که مردم در آن بر مبنای تعاون و همکاری در راستای سعادت‌مندی خویش رفتار می‌کنند. به لحاظ ظرفیت، در آرمان‌شهر اسلامی از منظر قرآن کریم، مشارکت سیاسی صرفاً بر مبنای حق مداری نیست مانند جامعه‌ای غرب، بلکه بر اساس وظیفه‌مندی و تکلیف محوری نیز صورت می‌گیرد. اما در جامعه آرمانی اسلامی علاوه بر حق مداری، وظیفه‌مندی و تعاون است. بر همین مبناست که در اسلام امر به معروف و نهی از منکر، نظارت بر قدرت و نصیحت حاکمان، بیعت و امر به معروف و نهی از منکر و شورا به عنوان سازوکار مشارکت سیاسی مطرح است.

مشارکت سیاسی در آرمان‌شهر اسلامی دارای انواعی است که در یک تقسیم‌بندی کلی، مشارکت سیاسی عادی است و یا غیرعادی، در مشارکت‌های غیرعادی فعالیت‌ها در جهت براندازی یک نظام سیاسی انجام می‌گردد و این نوع از مشارکت سیاسی با توجه به ظرفیت‌های مشارکت سیاسی در آرمان‌شهر اسلامی جایگاهی ندارد، زیرا مشارکت سیاسی در آرمان‌شهر اسلامی بر اساس تعاون و قوام بخشی جامعه صورت می‌گیرد. اما نوعی دوم از مشارکت سیاسی که عادی است، در این نوع از مشارکت سیاسی فعالیت‌های سیاسی به صورت مسالمت‌آمیز در درون نظام سیاسی شکل می‌گیرد، مانند شرکت در انتخابات و احزاب سیاسی و سایر تشکلات؛ این نوع از مشارکت سیاسی دارای انواعی است و آن عبارت‌اند از مشارکت بدوی و عقلی و فضیلت محور. در مشارکت بدوی مردم به دنبال معاش و نیازهای اولیه زندگی خویش می‌باشند، ولی دارای ثبات نیست چون مشارکت در این نوع بی‌ثبات و زوال‌پذیر می‌باشد، زیرا در صورت وصول به ضروریات اولیه زندگی، انگیزه مشارکت فردی و جمعی از بین می‌رود. اما در مشارکت عقلی و فضیلت محور فعالیت‌ها در مسیر سعادت‌مندی‌ها و ارزش‌ها و زدودن زشتی‌ها انجام می‌گیرد این نوع از مشارکت دارای ثبات است و در آرمان‌شهر اسلامی این نوع از

منابع:

۱. قرآن
۲. ابن مسکویه، الهوامل والشوامل، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا، ص ۳۳۳، نرم‌افزار مکتبه‌الشمائله.
۳. ابن منظور، لسان العرب، بی‌جا، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ق، ج ۲.
۴. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، مشهد نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳، ج ۱.
۵. الاسلام و یقود الحیاء انتشارات ستار، چاپ اول، ۱۴۲۶.
۶. آشنایی، علی محمد، جامعه آرمانی قرآن کریم، قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) چاپ اول، ۱۳۹۲.
۷. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، چاپ نهم، ۱۳۸۲.
۸. امام خمینی، روح الله، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی چاپ سوم، ۱۳۷۹.
۹. حسن بن محمد دیلمی، ارشادالقلوب الی الصواب، قم، شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق، ج ۲.
۱۰. روویون، آرمان شهر در تاریخ اندیشه غرب، مترجم دکتر عباس باقری، تهران، نشر نی، چاپ اول ۱۳۸۵.
۱۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصیحی صالح)، قم، ناشر: هجرت چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۲. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (للشعیری) نجف، ناشر: مطبعه حیدریه، چاپ اول، بی تا.
۱۳. شهید صدر، محمدباقر، خلافت انسان، و گواهی انبیاء، ترجمه دکتر کمال موسوی، تهران، انتشارات روزبه، ۱۳۵۹.
۱۴. عباسعلی عمید زنجانی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

۱۵. عبد الواحد آمدی، تمیمی، غررالاحکم و درر الکلم، قم، ناشر: دفتر تبلیغات، چاپ: اول، ۱۳۶۶.
۱۶. علی ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱، ص ۴۹.
۱۷. علی اسلامی، سیمای ابرار در آینه قرآن، قم، مؤسسه بوستان، (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) چاپ اول، ۱۳۹۳.
۱۸. علی اصغر کاظمی، بحران نوگرایی، و فرهنگ سیاسی، تهران، انتشارات قومس، ۱۳۷۶.
۱۹. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، هران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۴۴، ۱۳۳۴.
۲۰. علی اکبر علیخانی، مشارکت سیاسی، ۱۳۷۷.
۲۱. علی محمدی آشنانی، جامعه آرمانی قرآن کریم، قم، بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) چاپ اول، ۱۳۹۲.
۲۲. فارابی، ابونصر محمد بن محمد، اندیشه‌های مدینه فاضله، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، قم، دار الحدیث، چاپ: اول، ۱۴۲۹، ج ۹.
۲۴. مایکل راش، جامعه و سیاست: مقدمه بر جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت) چاپ سوم، ۱۳۸۳.
۲۵. مجله، پگاه حوزه، ۳۰ دی ۱۳۸۵، شماره ۲۰۰. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه.
۲۶. محمدحسین طباطبایی، ترجمه المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴، ج ۴.
۲۷. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، تهران، صدرا، چاپ پنجم ۱۳۸۱، ج ۱۷.
۲۸. مرتضی مطهری، یادداشت‌های استاد مطهری، (جامعه و تاریخ) تهران، صدرا، ۱۳۷۸.
- ج ۱۰.
۲۹. مسعود کوثری، مشارکت فرهنگی، تهران، آن، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ، از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ هفتم، ۱۳۹۱.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، ناشر: دارالکتب الإسلامیة، سال چاپ اول، ۱۳۷۴ ج ۱۲.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، ناشر: دارالکتب الإسلامیة، سال چاپ اول، ۱۳۷۴ ج ۴.
۳۳. منوچهر صبوری، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، سخن، ۱۳۸۱ چاپ اول.
۳۴. ناصر علی رحمانی، راهکارهای فقه سیاسی شیعه برای گسترش مشارکت سیاسی، (پایان‌نامه) ۱۳۸۹.
۳۵. ناصر مکارم شیرازی، و همکاران، پیام قرآن، تهران دارالکتب الاسلامیه چاپ پنجم، ۱۳۸۶، ج ۱۰.
۳۶. نجاح الطایی، السیره النبویه، ناشر: دارالهدی لاحیاء التراث، ۱۳۸۴، ج ۲.
۳۷. نسرین مصفا، مشارکت سیاسی، زنان، در ایران، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۵.
۳۸. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ: اول ۱۴۰۸ ق، ج ۷.
۳۹. ویلیام آتویت، تام باتامور، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۹۲.